



پیام روشن سخنان شیخ نعیم قاسم و بیانیهٔ کتائب حزب‌الله

شب‌های سخت آمریکایی‌ها در عراق و لبنان

است؛ آن‌ها ایران را «دژ و عزت است» می‌دانند که بیش از چهار دهه از مستضعفان جهان حمایت کرده‌است و دفاع از آن واجب است، اگر آمریکا با رژیم صهیونیستی حرکتی شیطنت‌آمیز انجام دهند، با پاسخی روبه‌رو خواهند شد که «طعم مرگ‌های سخت» را به آن‌ها خواهد چشاند. حزب‌الله آماده است تا تمامی توان موشکی و پهپادی خود را برای هدف قرار دادن نقاط حیاتی دشمن به کار گیرد. این آمادگی شامل حملات دقیق زمینی و هوایی است که می‌تواند توازن قوا را در لحظه تغییر دهد. یکی از کارکردهای اصلی حزب‌الله در این تقابل، «اشباع سیستم‌های پدافندی دشمن» است. زمانی که حزب‌الله از شمال و گروه‌های مقاومت از شرق و جنوب، سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های آمریکایی را هدف قرار می‌دهند، دشمن در یک بن‌بست تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

عبور از جنگ محدود

واکش‌ها به هر اقدام آمریکای علیه ایران، دیگر به شکل «زد و خورد محدود» نخواهد بود. طبق بیانیه‌های صادرشده، جبهه‌ها با یک جنگ فراگیر روبه‌رو خواهند شد. در این سناریو نه تنها پایگاه‌های داخل عراق، بلکه پایگاه‌های آمریکا در کویت، سوریه و اردن زیر ضربه می‌روند. انصارالله یمن هم به صراحت اعلام کرده در صورت حمله به ایران، تمام ناوگان و ششاورهای آمریکا در دریای سرخ را غرق خواهد کرد. آن‌ها با انتشار تصاویر پهپادی از حملات قبلی خود، هشدار داده‌اند محاصره دریایی رژیم صهیونیستی را به یک جنگ تمام‌عیار دریایی علیه آمریکا تبدیل می‌کنند.

اگر عراق و یمن هم‌زمان فعال شوند، آمریکا مجبور است در دو جغرافیای کاملاً متفاوت و با تاکتیک‌های ناهمگون (جنگ دریایی در باب‌المندب و جنگ موشکی-پهپادی در بیابان‌های عراق و سوریه) درگیر شود. نیروهای مقاومت، از جمله کتائب حزب‌الله عراق، رسماً اعلام کرده‌اند برای یک «جنگ مقدس» آماده‌اند. پیام دیرکل این گروه واضح است: جنگ علیه جمهوری اسلامی آسان نخواهد بود و دشمنان «طعم مرگ‌های سخت» را خواهند چشید و هیچ چیزی برای آن‌ها در منطقه باقی نخواهد ماند. این به معنای آن است که اگر مقاومت با آمریکا درگیر شود، واشنگتن در تل‌های گرفتار می‌شود که خروجی آن دیگر «جنگ محدود» نیست. آمریکا هم‌زمان نمی‌تواند به همه جبهه‌ها پاسخ دهد؛ زیرا هزینه اقتصادی و نظامی چنین درگیری گسترده‌ای برای آن‌ها «نمی‌صرفد» و ظرفیت لجستیکی آن‌ها را به کل نابود می‌کند.

بن‌بست تصمیم‌گیری

در حال حاضر، فرکانس‌های ارسالی از سوی دشمن به سوی ایران با سد مستحکمی از «ابهام استراتژیک» و «قاطعیت میدانی» برخورد کرده‌است. تهدید گروه‌های مقاومت، گزینه «انتخاب عقلانی» را برای تصمیم‌گیران آمریکایی دشسوار کرده‌است. آن‌ها می‌دانند که هرگونه حرکت اشتباه، نه تنها نیروهایشان را در عراق و سوریه، بلکه تمام دارایی‌های نظامی‌شان را در کویت، اردن، دریای سرخ و حتی امارات و عربستان به اهدافی مشروع برای مقاومت تبدیل می‌کند. آمریکا و اسرائیل به این موضوع واقف‌اند که دوران درگیری‌های کنترل‌شده به پایان رسیده و هر جرقه‌ای می‌تواند دومینوی نابودی پایگاه‌های آنان را در کل منطقه کلیلد بزند.

فراتر از یک درگیری مرزی س ساده است. بنا بر آنچه که اخیراً مقامات حوثی اعلام کرده‌اند، خط قرمز یمن، هرگونه تجاوز مستقیم آمریکا به خاک ایران است؛ انصارالله صراحتاً هشدار داده است در صورت چنین «حماقتی»، تمام ناوگان، ناوها و ششاورهای آمریکایی در دریای سرخ به اهدافی برای غرق شدن تبدیل خواهند شد.

از سوی دیگر اعتراف مدیر بن‌در ایلات مبنی بر اینکه کنترل دریای سرخ عملاً در دست یمنی‌هاست، نشان‌دهنده عمق نفوذ و اشرف اطلاعاتی و عملیاتی آن‌هاست. انصارالله با استفاده از ترکیبی از پهپادهای انتحاری پیشرفته، موشک‌های بالستیک ضدکشتی و موشک‌های کروز، موفق شده یک محاصره دریایی چندلایه علیه رژیم صهیونیستی ایجاد کند که از دریای سرخ و تنگه باب‌المندب تا خلیج عدن و دریای عرب گسترش یافته‌است. در صورت فعال شدن جبهه یمن در حمایت از ایران، آمریکا بحران دریای سرخ را بازتولید خواهد کرد که در آن هزینه‌های لجستیکی و جانی به شدت بالا می‌رود. این جبهه قادر است با مسدود کردن کامل شریان‌های انرژی و تجاری، بحرانی جهانی ایجاد کند که واشنگتن توان مدیریت هم‌زمان آن را با جنگ نظامی نخواهد داشت. درباره اشرف یمن به پایگاه‌های آمریکایی در امارات و قطر نیز نباید بی‌توجه بود.

حزب‌الله؛ پیش‌قراول جنگ فراگیر

موضع حزب‌الله در قبال تهدیدات علیه ایران، موضعی اعتقادی و راهبردی

آمریکایی در غرب عراق، همواره هدفی در دسترس برای حملات موشکی و پهپادی مقاومت بوده است.

اردن: در ژانویه ۲۰۲۴، مقاومت اسلامی عراق با یک حمله پهپادی دقیق به اردوگاه نظامی «برج ۲۲» در شمال شرقی اردن، منجر به کشته شدن سه سرباز آمریکایی و مجروح شدن ده‌ها تن دیگر شد. این حمله نشان داد که مرزهای اردن برای پهپادهای مقاومت نفوذپذیر است. کویت: گروه‌های مقاومت عراقی از جمله «تشکیل الوارثین» سابقه هدف قرار دادن پایگاه هوایی «علی‌السلام» در شمال غربی کویت را با پهپادهای انتحاری در سال ۱۴۰۱ دارند. همچنین گروه «اصحاب کهف» نیز سال ۹۸ مسئولیت حملاتی در مرز عراق و کویت را بر عهده گرفت. سوریه: پایگاه‌های «التنف» و «روستای الخضرا» و میدان گازی «کونیکو» بارها زیر ضربات موشکی و پهپادی مقاومت عراق قرار گرفته‌اند این حملات حتی در حین پرواز هواپیماهای آمریکایی و در پاسخ به تجاوزات آن‌ها در مناطقی مانند القامع و عکاشات انجام شده است. این سوابق نشان می‌دهد فعال‌شدن مقاومت عراق به معنای ناامنی مطلق برای زنجیره‌ای از پایگاه‌های آمریکا از مدیترانه تا خلیج‌فارس است.

انصارالله؛ کابوس دریایی

انصارالله یمن به عنوان یکی از بازوان اصلی محور مقاومت، تعریف جدیدی از «بازدارندگی دریایی» را در منطقه ارائه داده است. بر اساس مواضع رسمی و تحرکات میدانی، نقش یمن در دفاع از مقاومت و مقابله با تحرکات آمریکا،

شیخ نعیم قاسم: بی‌طرف نمی‌مانیم

روز گذشته در جریان نشست همبستگی مردم و گروه‌های لبنانی با ایران که با پخش سرورد ملی کشورمان و اهتزاز پرچم ایران در دست لبنانی‌ها آغاز شد، شیخ‌نعیم‌قاسم، دبیرکل حزب‌الله در سخنانی به‌تیین جایگاه ایران در معادلات منطقه و واکنش مقاومت به تحرکات دشمن پرداخت. این مراسم که با حضور پرشور مردمی برگزار شد، بستری برای ارسال پیامی صریح به واشنگتن و تل آویو بود. شیخ نعیم قاسم تأکید کرد ایالات متحده و رژیم صهیونیستی امروز تمام جبهه‌ها از لبنان و غزه تا سوریه و ایران را در قالب یک «پروژه استعماری واحد» تعریف کرده‌اند که هدف نهایی آن ضربه زدن به هرگونه طرح استقلال‌طلبانه و مقاومت در منطقه است.

یکی از فرازهای مهم این سخنرانی، فاش کردن فشارهای پشت‌پرده دیپلماتیک بود. نعیم قاسم در پاسخ به این سؤال که «آیا در صورت حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، حزب‌الله دخالت خواهد کرد؟» قاطعانه گفت: «حزب‌الله در این کارزار بی‌طرف نیست». او تصریح کرد که دشمن میان جبهه‌ها «تفاوت قائل نمی‌شود» و سناریوهای مختلفی از جمله ضربه به حزب‌الله قبل از ایران، یا ضربه به هر دو را در دستور کار دارد؛ لذا مقاومت خود را بخشی از این نبرد و هدف مستقیم هرگونه تجاوز احتمالی می‌بیند و برای دفاع مصمم است.



با روایت‌های یک‌سویه و مهندسی‌شده.» نتیجه چنین وضعیتی، نه آگاهی عمومی، بلکه انباشت روایت‌های ناقص، تحریف‌شده و جهت‌دار است. در نهایت، آنچه امروز در تل آویو در حال وقوع است، فروپاشی تدریجی ادعای دیرینه رژیم اسرائیل در باره «آزادی رسانه» و «دموکراسی لیبرال» است؛ رژیمی که برای حفظ روایت خود، ناچار به کشتن خبرنگار، بستن شبکه‌های خبری و سانسور فراگیر می‌شود، بیش از هر چیز، هراس خود از حقیقت را آشکار می‌کند؛ حقیقتی که حتی در میان انبوه رسانه‌های همسو، هنوز راهی برای دیده‌شدن پیدا می‌کند.

سانسور و ترور رسانه‌ای ابزار همیشگی رژیم صهیونیستی

حسن هانی زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به سیاست‌های رسانه‌ای رژیم صهیونیستی، اظهار داشت: «رژیم اسرائیل به دلیل جنایت‌های بی‌شماری که طی سال‌های اخیر مرتکب شد، از جمله کشتار وحشیانه بیش از ۷۱ هزار نفر از ساکنان غزه، ترور شخصیت‌های تأثیرگذار فلسطینی و حملات مکرر به سوریه و لبنان، همواره



و فرامرزى نیز تعمیق‌یافته است. این سطح از محدودسازی که‌سابقه است، اما این اقدامات را باید در چهارچوبی وسیع‌تر فهم کرد؛ چهارچوبی به نام هاسبارا. هاسبارا که در ادبیات رسمی اسرائیل به معنای «توضیح» یا «تبیین» به کار می‌رود، در عمل به یک ماشین پروپاگاندای سازمان‌یافته بدل شده؛ ماشینی که هدفش نه اطلاع‌رسانی، بلکه توجیه، وارونه‌سازی واقعیت و بی‌اعتبارسازی روایت‌های مستقل است. در منطق هاسبارا، مسئله این نیست که چه اتفاقی رخ‌داده، این است که چگونه باید آن اتفاق را روایت کرد تا کمترین هزینه سیاسی و اخلاقی برای اسرائیل ایجاد شود. نکته قابل تأمل آنجاست که هاسبارا، علی‌رغم تکیه گسترده بر رسانه‌های جریان اصلی غربی، شبکه‌های اجتماعی، لایه‌های رسانه‌ای و حتی تولیدکنندگان محتوای به‌ظاهر مستقل، همچنان از چند رسانه منتقد منطقه‌ای احساس تهدید می‌کند. همین ترس است که به سانسور مستقیم می‌انجامد. اگر روایت رسمی آن قدر قدرتمند و قانع‌کننده بوده که ادعا می‌شود، نیازی به بستن شبکه‌ها، حذف خبرنگاران و انسداد پلتفرم‌ها وجود نداشته. این تناقض، پرده از واقعیتی مهم‌برمی‌دارد مبنی بر آنکه آنچه اسرائیل بنا کرده، نه روایتی قوی، بلکه سازهای شکننده مبتی بر حذف، سانسور و سرکوب اطلاعات است. مجموعه این اقدامات را باید در قالب کمپین سازمان‌یافته دروغ‌پردازی و اطلاعات گمراه‌کننده تحلیل کرد؛ کمپینی که هم‌زمان سه مسیر را دنبال می‌کند: «حذف فیزیکی خبرنگاران مستقل در میدان»، «بستن مسیرهای انتشار اطلاعات» و «جایگزینی واقعیت

تلاش کرده با کنترل و سرکوب رسانه‌ها، واقعیت این جنایت‌ها را پنهان کند.» وی افزود: «در جریان جنگ غزه، این رژیم برای سرپوش‌گذاشتن بر اقدامات خود، به طور گسترده مانع فعالیت خبرنگاران شد. طی این مدت حدود ۲۶۰ خبرنگار را هدف حمله قرار داد که این رقم، بزرگ‌ترین کشتار اصحاب رسانه در طول تاریخ به شمار می‌رود.» این کارشناس مسائل بین‌الملل با انتقاد از سکوت نهادهای جهانی، تصریح کرد: «با وجوداین حجم از جنایت، به دلیل حمایت آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از رژیم صهیونیستی، اسرائیل هیچ‌گاه به‌طورجدی مورد انتقاد قرار نگرفته است؛ نه شورای حقوق بشر و نه سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی حتی نتوانستند یک بیانیه مؤثر علیه این رژیم صادر کنند.» هانی زاده ادامه داد: «تقابل رژیم صهیونیستی با اطلاع‌رسانی دقیق، موضوع تازه‌ای نیست؛ در گذشته نیز بسیاری از خبرنگاران فعال در اراضی اشغالی، چه در کرانه باختری و چه در نوار غزه ترور شده‌اند. نکته تأسف‌بار آنجاست حتی سازمان‌هایی مانند «خبرنگاران بدون مرز» که مدعی دفاع از حقوق اصحاب رسانه هستند، واکنش درخوری نسبت به این جنایت‌ها نشان نداده‌اند.» وی در پایان تأکید کرد: «مجموعه این رفتارها نشان‌دهنده نگاه دوگانه و استانداردهای تبعیض‌آمیز سازمان‌های بین‌المللی در قبال تحولات منطقه و جهان است. رژیم صهیونیستی خود را فراتر از قوانین و نهادهای بین‌المللی می‌داند و بدون هیچ‌هراسی، به کشتار انسان‌ها و سرکوب رسانه‌ها ادامه می‌دهد.»